

داوود و جولیات

۸

اول سموئیل ۱۷

مقدمه

با خود عکس‌های مختلفی به کلاس ببرید، مثل: حیوانات مختلف، افراد با شغل‌های متفاوت، شب، روز. سعی کنید که تعداد عکس‌ها دو برابر بچه‌ها باشد. وقتی که کلاس شروع شد از بچه‌ها بخواهید که به عکس‌ها نگاه کنند و هر کس یکی از عکس‌هایی که بیشتر از همه باعث ترسش می‌شود انتخاب کند. هر کس باید حداقل یک عکس بردارد. از بچه‌ها بخواهید دلیل ترس و نگرانی‌شان را با بقیه در میان بگذارند. مثلاً شب چون تاریک است، یا مار چون ممکن است ما را نیش بزند، فصل امتحانات چون آماده امتحان دادن نیستیم. بعد عکس‌های دیگری که به عکس‌های قبلی ربط دارد را روی میز بگذارید. این عکس‌ها باید نقطه مقابل عکس‌های قبلی باشند به این صورت که اگر تاریکی باعث ترس می‌شود نور چراغ کمک می‌کند که ما نترسیم. اگر از دزد می‌ترسیم پلیس کمک می‌کند که از وجود دزدها کمتر بترسیم... از بچه‌ها بخواهید عکسی که با عکس قبلی‌شان ارتباط دارد پیدا کنند. از یکی دو نفر از بچه‌ها دلیل انتخاب‌شان را پرسید.

در ادامه به بچه‌ها توضیح دهید که در زمان‌های خیلی دور پسر بچه‌ای بود که از هیچ چیز و هیچ کس نمی‌ترسید. می‌خواهید بدانید چرا او اینقدر شجاع بود؟

درس

درس گذشته را به‌طور خلاصه با بچه‌ها مرور کنید تا بچه‌ها به یاد بیاورند که در مورد چه کسی صحبت می‌کنید. داستان داوود و جولیات را بر اساس اول سموئیل باب ۱۷ تعریف کنید. یا می‌توانید از بچه‌ها بخواهید که با هم یک برنامه

هدف:

وقتی خدا با ماست، ما بر ترس و نگرانی پیروز می‌شویم.

آیه حفظی:

رومیان ۸: ۳۱

اگر خدا با ماست، چه کسی می‌تواند به ضد ما باشد؟

(ترجمه تفسیری)

رادیویی اجرا کنند. یک نفر باید به عنوان راوی داستان را بخواند و بقیه بجای نقش های مختلف صحبت کنند. (این برنامه رادیویی مجازی است و شما می توانید از میکروفن های اسباب بازی استفاده کنید. لطفاً قبل از کلاس نقش هر کس را بر روی کاغذ مشخص کنید.)

در ادامه می توانید سؤالات زیر را از بچه ها پرسید:

- ۱- کار داوود چه بود؟
- ۲- دشمن اسرائیل که بود؟
- ۳- نام کسی که فلسطینیان را برای جنگ با اسرائیلی ها فرستاد چه بود؟
- ۴- چرا سربازان از جویات می ترسیدند؟
- ۵- چرا داوود از جویات نمی ترسید؟
- ۶- داوود با چه اسلحه ای به جنگ جویات رفت؟

کاربرد

همانطور که دیدیم داوود از هیچ چیز نمی ترسید چون به خدا ایمان داشت و می دانست که خدا در هر جا و هر شرایطی از او محافظت می کند.

خیلی چیزها در زندگی ما اتفاق می افتد و یا موجوداتی در اطراف ما هستند که ما را می ترسانند. بعضی وقت ها ممکن است آنها برای ما مثل جویات باشند و ما خودمان را در برابرشان کوچک ببینیم و سعی کنیم فرار را بر قرار ترجیح دهیم. ولی اگر ما هم مثل داوود همیشه به یاد داشته باشیم که خداوند با ما است و از ما محافظت می کند، دیگر ترسی نخواهیم داشت چون او به ما قدرت می دهد تا نه تنها خودمان را کوچک نبینیم بلکه همیشه پیروز باشیم.

کمک درسی

۱- سنگ شجاع. در این قسمت اگر بتوانید سنگ های درشتی را به تعداد بچه ها تهیه کنید خیلی مناسب خواهد بود. در غیر این صورت از بچه ها بخواهید چند تکه کاغذ را مچاله کرده و به صورت سنگ در آورند و آنها را با مژیک یا آبرنگ رنگ آمیزی کنند و وقتی که خشک شد با خود به منزل ببرند (اگر از آبرنگ استفاده کنید خیلی بهتر خواهد بود چون وقتی کاغذ خشک شود سفت تر خواهد شد و خیلی بیشتر شبیه به سنگ می شود).
به بچه ها توضیح دهید که هر وقت در زندگی به مسئله ای بر می خورند که به نظر خیلی بزرگ است و برای روبرو شدن با آن می ترسند، این سنگ را در دستان شان بگیرند و به یاد بیاورند که خدا می تواند مثل داوود به آنها هم شجاعت دهد. در همان موقع دعا کنند و از خدا بخواهند که به آنها کمک کند تا آن مشکل را حل کنند.

۲- با چسب نواری سفید روی یک زمین صاف به شکل یک مربع بزرگ علامت بگذارید (اگر بتوانید این بازی را در حیاط انجام دهید خیلی بهتر است. ولی در صورتی که در داخل سالن و بر روی کفپوش یا سرامیک این بازی را انجام می دهید دقت کنید که بر روی زمین خراش ایجاد نشود).
یک عدد سنگ را وسط مربع بگذارید. به بچه ها بگویید به چیزی که خیلی آنها را نگران می کند فکر کنند، مثلاً امتحان آخر سال، درگیری های مادر و پدر،... بعد به بچه ها بگویید که سه عدد سنگ دیگر هم داریم (در کل داوود وقتی به جنگ با جویات رفت ۵ عدد سنگ داشت. اما چون ممکن است وقت کلاس گرفته شود، می توانید به بچه ها ۳ تا سنگ بدهید). به نوبت بچه ها باید بیایند و به ترتیب سنگ ها را به طرف سنگ وسط پرت کنند. (اگر در داخل سالن هستید می توانید به جای سنگ از لوازمی استفاده کنید که کمتر به زمین صدمه بزنند).